



انترناسیونال

۱۴۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۳۰ تیر ۱۳۸۵، ۲۱ ژوئیه ۲۰۰۶

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سر دبیر: محسن ابراهیمی

هی جناب، من انقلابی ام!

یاشار سهندی

صفحه ۴

در پاسخ به فراخوان مالی حزب

لیست شماره ۷

صفحه ۶

چرا من و اتحادیه ام

از مانیفست جبهه سوم حمایت میکنیم؟

صفحه ۸

در حاشیه رویدادها

شورای امنیت در آستانه تصویب
قطعنامه علیه جمهوری اسلامی

صفحه ۷

کاظم نیکخواه

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران در باره بحران خاورمیانه

پرده ای دیگر از جنگ تروریستها

مردم آزادیخواه جهان باید متحدانه علیه تروریسم و میلیتاریسم بپاخیزند!

صفحه ۲



ستون اول

حمید تقوایی

یورش اسرائیل به مردم لبنان یک فاجعه انسانی و سیاسی است



جنایتکارانی که به نام مبارزه با تروریسم کودکان بیگناه را لت و پار میکنند، شرم بر شما!

تقابل دو قطب تروریسم جهانی باز هم جنایت می آفریند

دولت اسرائیل باید به خاطر جنایاتش در لبنان به مردم جهان حساب پس بدهد

این کشتار باید فورا متوقف شود!



محسن ابراهیمی

صفحه ۳

نظامی اسرائیل را نباید فقط در چهارچوب مناقشه قدیمی اسرائیل و فلسطین بررسی کرد. جرج بوش و تونی بلیر علنا حماس و حزب الله را مسئول این اوضاع دانسته و علنا از اسرائیل حمایت کرده اند. جنایات آشکار اسرائیل علیه مردم بی دفاع در غزه و لبنان را به مثابه دفاع از خود اعلام کرده و برای ادامه بمباران چراغ سبز داده اند. این حمایت

گروگان میگیرد. گروگان گیری توسط طرفین این مناقشه یعنی دولت اسرائیل و جنبش اسلامی یک اتفاق معمولی و آشناست. آزادسازی سه سرباز اسرائیل یک بهانه صرف برای راه انداختن یک تهاجم گسترده نظامی با هدف تغییر و تثبیت توازن نظامی و به تبع آن سیاسی میان تروریسم دولتی اسرائیل و جنبش اسلامی به نفع اسرائیل است. اما تهاجم

تهاجم نظامی گسترده دولت اسرائیل به نوار غزه و جنوب لبنان، هیچ ربطی به اتفاق اخیر به گروگان گرفته شدن سه سرباز اسرائیل توسط حماس و حزب الله ندارد. این پوچترین توجیه برای تهاجم دولت تروریستی اسرائیل به خانه و زندگی مردم فلسطین و لبنان است. خود دولت اسرائیل به طور روزمره زندگی و کار و شغل و امنیت مردم فلسطین را به

جنگ اسرائیل علیه حزب الله، و در عمل علیه مردم لبنان، هم از نظر انسانی و هم از نظر سیاسی جنگی تماما ضد انسانی و ارتجاعی است. از لحاظ انسانی این جنگی علیه مردم بیگناه لبنان و یک جنایت جنگی و قتل عام تمام عیار است. حاصل این جنایت تا کنون بیش از سیصد نفر کشته، بیش از هزار نفر مجروح و نیم میلیون بیخانمان و آواره بوده است. دولت اسرائیل مسئول مستقیم این جنایت و دولتهای غربی و مشخصا آمریکا و انگلیس که صریحا و یا تلویحا از اسرائیل پشتیبانی میکنند شریک جرم این جنایت هستند. این فاجعه انسانی باید فورا خاتمه

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پرده ای دیگر از جنگ تروریستها

مردم آزادیخواه جهان باید متحدانه علیه تروریسم و میلیتاریسم بپاخیزند!

ندارند. حزب کمونیست کارگری مردم آزادیخواه در سراسر جهان را به اعتراض و عمل سازمانیافته برای متوقف کردن این توحش تروریستی فرامیخواند. مبارزان و کشتار مردم بیگناه در لبنان و فلسطین باید فوراً متوقف شود. تجاوزگرهای دولت اسرائیل باید صریحاً محکوم شود و دولت اسرائیل برای توقف فوری جنگ تحت فشار بین المللی قرار بگیرد. امکانات زیستی و دارویی و غذایی باید فوراً برای آوارگان و قربانیان تامین شود. جریانات اسلامی تروریست در منطقه باید خلع سلاح و منزوی شوند. شکست اسلام سیاسی در خاورمیانه در گرو نابودی زمینه های قدرتگیری این جریان ارتجاعی و آدمکش است. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی در ایران و تشکیل دولت مستقل و متساوی الحقوق فلسطینی، دو رکن اصلی حاشیه ای کردن و شکست جنبش تروریستی اسلام سیاسی است. سیاست "جنگ طولانی علیه تروریسم" دولتهای آمریکا و اسرائیل، تنها به تداوم و تقویت ترور و تبحر در منطقه و قدرتگیری تروریسم اسلامی منجر شده است. افغانستان، عراق، فلسطین و لبنان نمونه های اخیراند. بشریت متمدن باید راساً علیه دو اردوی تروریسم بین المللی متحدانه به میدان بیاید. امروز جهان در ناامنی و کابوس تروریسم بسر میبرد و خطر ترور و کشتار جمعی به یک وجه زندگی مردم عادی در چهارگوشه جهان تبدیل شده است. نفی تروریسم در تمام اشکال آن، چه دولتی چه غیر دولتی، تنها توسط نیروهائی ممکن است که در این تقابل و چرخه آدمکشی منفعتی ندارند. جبهه سوم، جبهه انسانیت و سکولاریسم و آزادیخواهی و معیارهای جهانشمول انسانی باید در مقابل این توحش به میدان بیاید. حزب کمونیست کارگری ایران مردم آزادیخواه، کارگران و نیروهای مترقی و انساندوست را به متشکل شدن در جبهه سوم فرا میخواند. اکثریت عظیم مردم جهان از جمله

تروریستی در چهارچوب استراتژی نظم نویسی آمریکا و طرح "خاورمیانه بزرگ". حماس در فلسطین و حزب الله در جنوب لبنان دو سنکر اسلام سیاسی است که مساله مردم فلسطین را به محمل قدرتخواهی خود در منطقه تبدیل کرده است. حزب الله با حمایت سوریه و جمهوری اسلامی و موشک باران شهرهای اسرائیل جبهه جدیدی است که بدنبال پیشرویهای تروریسم اسلامی در عراق و افغانستان و فلسطین، باز میشود. در طرف مقابل دولت اسرائیل شرایط را برای پیشبرد سیاستهای سرکوبگرانه و تجاوزگرانه همیشگی خود علیه مردم فلسطین این بار در چهارچوب عمومی مقابله جهانی با تروریسم اسلامی و بعنوان نماینده و پرچمدار اردوی تروریسم دولتی غرب در منطقه مناسب یافت، و با تعیین فرصت کوتاهی بمباران و کشتار مردم در فلسطین و لبنان را آغاز کرد. آمریکا بدفاع از اسرائیل پرداخت و در جنگ خبری و دیپلماتیک، تجاوز نظامی اسرائیل بعنوان دفاع از خود توجیه شد و حتی بعنوان جبهه ای در جنگ بین المللی علیه تروریسم اسلامی مورد حمایت قرار گرفت. بار دیگر ترم "محور شر" معمول شد و تلاش برای آماده سازی افکار عمومی برای یک جنگ گسترده در منطقه آماده میشود. مستقل از تبلیغات جنگی و توجیهات سیاسی و دیپلماتیک طرفین، این بحران و جنگ پرده دیگری از تقابل میلیتاریسم و تروریسمی است که هر روز مردم جهان را در گرداب خود فرومیبرد. این جنگ سرسوزنی به عدالت، آزادی، حقوق پایمال شده و خواستههای مردم محروم در فلسطین یا لبنان یا اسرائیل ربط ندارد.

حزب کمونیست کارگری این جنگ تروریستی و اهداف ارتجاعی آنرا قویاً محکوم میکند. قربانیان این جنگ مردم بیگناه اند که کوچکترین نفعی در پیروزی یا شکست هرکدام از طرفین درگیر

بار دیگر تروریستها خاورمیانه را در آستانه یک انفجار کامل قرار داده اند. مردم محروم فلسطین و جنوب لبنان و مردم بیگناه در شهر حیفا در منگنه تروریسم دولتی اسرائیل و تروریسم اسلامی قربانی میدهند. نه قربانیان، نه آوارگان، نه محبوسین در زیر زمینها و مدارس، نه کودکان گرسنه، و نه بازماندگانی که روی اجساد و کاشانه ویران شده شان شیون میکنند، نمیدانند این جنگ برسر چیست! ظاهراً بهانه این تروریسم و آدمکشی حرفه ای دولت اسرائیل ریوده شدن یک سرباز اسرائیلی در فلسطین توسط نیروی نظامی حماس و دو سرباز دیگر در جنوب لبنان توسط نیروهای حزب الله است. تردیدی نیست که حماس و حزب الله جریانات تروریستی و ضد جامعه اند و ربطی به منافع و خواستههای مردم محروم در فلسطین یا لبنان ندارند. اما زمینه رشد و توجیه تروریسم و آدمکشی اینها جنایات دولت اسرائیل و ظلمی است که در طی سالهای متمادی بر مردم محروم و آواره فلسطین روا شده است. متقابلاً جریانات تروریست اسلامی زمینه تداوم سیاست جنگی و میلیتاریسم و تروریسم دولتی اسرائیل را فراهم میکنند. هم دولت اسرائیل برای توجیه و پیشبرد تجاوزگرهای میلیتاریستی خود به حماس و حزب الله نیاز دارد و هم تروریسم اسلامی در منطقه از سیاستهای دولت اسرائیل تغذیه میکند. تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی پشت و روی یک سیاست واحد اند و زمینه وجودی و تداوم و بقا همدیگر را فراهم میکنند.

منشا بحران اخیر خاورمیانه، و جنگ و کشتاری که تاکنون صدها کشته و زخمی و ویرانی و آوارگی عظیم بجا گذاشته است، ریوده شدن سربازان اسرائیلی نیست. ریودن یا اسارت افراد دو نیروی در حال جنگ، تروریسم و میلیتاریسم و آدمکشی در این ابعاد را توجیه نمیکند. این جنگ پرده ای دیگر از رویارویی دو اردوی تروریسم بین المللی است. این جنگی است برسر تعریف توازنی جدید بین نیروهای

جنگ یک برکت است چون رنگ سیاه اسلام سیاسی امر برحق مردم فلسطین را میتواند کاملاً تحریف و لوث کند. هر اندازه حزب الله بیشتر با مساله مردم فلسطین تداعی شود دولت اسرائیل بیشتر این امکان را پیدا میکند که بر جنبش و اعتراضات برحق مردم فلسطین انگ تروریسم بکوبد و جنایات و تجاوزگرهای خود را تحت لوای مبارزه با تروریسم توجیه کند. تا همینجا دولت اسرائیل توانسته است در مقام پرچمدار دموکراسی غرب در برابر تروریسم اسلامی ظاهر شود و به بهانه همیشگی دفاع از امنیت و موجودیت اسرائیل (که با اعلام مواضع حماس و جمهوری اسلامی مبنی بر پاک کردن اسرائیل از نقشه جهان زمینه بیشتری پیدا کرده) موقعیت نمایندگی جهان غرب در برابر تروریسم و فاندامنالیسم اسلامی را نیز اضافه کند و به خورد افکار عمومی و مدیای جهانی بدهد. مانند همیشه نیروهای تروریستی میلیتاریسم دولتی و اسلام سیاسی از مردم قربانی میگیرند و یکدیگر را تقویت میکنند.

بنا براین این جنگ اساساً بخاطر اهداف و نتایج و تبعات سیاسی اش، حتی اگر یک نفر قربانی نمیداشت، جنگی تماماً ارتجاعی و ضد انسانی بود و باید فوراً متوقف و محکوم میشد.

نیروی قادر به متوقف کردن این جنگ ضد انسانی مردم متمدن جهان هستند. مردم آزادیخواه در لبنان و فلسطین و در سراسر جهان نباید قربانیان دست بسته و ناظرین خاموش این کشتار و جنایت باشند. سازمانها و نیروها و شخصیتهای آزادیخواه و انساندوست جهان باید با خواست مشخص توقف فوری جنگ بمیدان بیایند. خواهان محکومیت دولت اسرائیل به جرم جنایات جنگی شوند، خواهان برسمیت شناسی دولت مستقل فلسطینی شوند و حزب الله را بعنوان یک نیروی ارتجاعی و مانعی در راه مبارزه و امر برحق مردم فلسطین محکوم کنند.

ما نیروهای جبهه سوم، جبهه مردم متمدن جهان را به این مبارزه فرا میخوانیم. *

یابد، و دولت اسرائیل و پشتیبانانش به جرم جنایت جنگی محاکمه شوند.

این جنگ از نظر سیاسی نیز یک فاجعه است و حاصلی جز تقویت نیروهای ارتجاعی و سیاه در هر دو طرف این تخاصم نخواهد داشت. این جنگی است در ادامه سیاستهای میلیتاریستی و تجاوزگرانه و زورگویانه اسرائیل علیه مردم فلسطین و خواست و حقوق پایه ای آنها برای خلاصی از دریدری و گتو نشینی و برای زندگی در یک جامعه متعارف و تشکیل دولت متساوی الحقوق در فلسطین. این خصلت ارتجاعی جنگ، در شرایط مشخص امروز در خاورمیانه و در سطح جهان، خود را به شکل تقویت اسلام سیاسی نشان میدهد. این جنگ باعث توسعه نفوذ و زمینه سیاسی و اجتماعی حزب الله در منطقه خواهد شد و این هم برای اسلام سیاسی و هم دولت اسرائیل یک برکت است. اسلام سیاسی این یک برکت است چون حاصل نظامی این جنگ هر چه باشد حزب الله، حماس، شیعیان جنوب عراق، جمهوری اسلامی و سوریه، برندگان سیاسی آن خواهند بود. این جنگ به حزب الله این امکان را میدهد که بیش از پیش بعنوان طرف مظلوم و قربانی و نماینده مردم فلسطین در برابر زورگوئیهای اسرائیل و آمریکا ظاهر شود (تا همین جا بالا رفتن اسم و عکس خامنه ای و حسن نصرالله در نظاهرات مردم فلسطین یک حاصل مستقیم این جنگ بوده است)، این جنگ حماس را که قبل از شروع این جنگ در چنبره مسائل داخلی گرفتار شده و در مقابل الفت و محمود عباس به موضع دفاعی افتاده بود از محصنه نجات میدهد و به سوریه و بویژه جمهوری اسلامی در معادلات سیاسی منطقه و در مناقشات و مذاکرات سیاسی شان با غرب وزن بیشتر و دست پر تری میبخشد. اسلام سیاسی در زمینه سازی این جنگ خود نقش داشت اما مستقل از شکل و بهانه های شروع جنگ، یورش اسرائیل به لبنان برای اسلام سیاسی در ایران و لبنان و فلسطین، موهبتی بود که از آسمان رسید.

برای دولت اسرائیل نیز این

از صفحه ۱ **تقابل دو قطب تروریسم جهانی**

رسمی و علنی دولت آمریکا از یک طرف تروریسم در منطقه، یعنی تروریسم دولتی اسرائیل ریشه در همان اوضاعی دارد که تروریسم نظم نوینی را در مقابل تروریسم جنبش اسلامی قرار داده است. دولت آمریکا در این جبهه تاز گشوده شده، دارد همان دستور کاری را دنبال میکند که چندی پیش در افغانستان و عراق آغاز کرده است: شکل دادن به "نظم نوین" ارتجاعی از طریق تصفیه حساب و بر سر جاننشدن بخش مزاحم جنبش اسلامی. بیدلیل نیست که تعدادی از سناتورها و نمایندگان کنگره آمریکا که به کمپ محافظه کاران جدید تعلق دارند اتفاقات اخیر در لبنان را جرقه جنگ جهانی سوم نامیده اند. از طرف مقابل، حماس و مشخصا حزب الله، چه با گروگان گرفتن سه سرباز اسرائیلی و چه با پرتاب موشک به شمال اسرائیل دارند اهداف سیاسی روشنی را دنبال میکنند. حیات سیاسی این جریانات ارتجاعی مدیون آدمکشی علنی دولت اسرائیل است. بمبهای که از جنگنده های نیروی هوایی اسرائیل بر سر مردم لبنان فرو میریزد، آتشی که از تانکهای اسرائیل بر سر مردم نوار غزه فرو میریزد، برای مردم تلی از جنازه بر جای میگذارد و برای حزب الله و حماس زمین مشروعیت سیاسی شخم میکند. حزب الله و حماس، شیخ نصرالله و خالد مشعل دارند روی میلیتاریسم خونین دولت اسرائیل پایه های جنبش کثیف اسلامی را محکم میکنند. (در رابطه با موقعیت متزلزل حماس بعد از طرح "زندانیان سیاسی" به بحث در "حاشیه رویدادها" در همین شماره مراجعه کنید.)

اما دقیقا مثل تهاجم نظامی اسرائیل، تحرك حزب الله و حماس را نمیتوان و نباید صرفا در چهارچوب مناقشه اسرائیل و فلسطین و یا تخاصم منطقه ای اسرائیل و حزب الله محدود کرد. اگر آمریکا به عنوان سرکرده تروریسم نظم نوینی علنا از نسل کشی اسرائیل حمایت کرده است، جمهوری اسلامی هم به عنوان سرکرده تروریسم اسلامی، علنا از حزب الله و حماس حمایت کرده و با عجله به این باتلاق

خونین شیرجه زده است. خامنه ای از "صهیونیستها در منطقه" به مثابه "هویت شیطانی و سرطانی و غده چرکین" نام برده است؛ اعلام کرده که خلع سلاح حزب الله هیچ موقع اتفاق نخواهد افتاد و از حزب الله خواسته به مبارزه ادامه دهند و هرگز سلاح بر زمین نگذارند. احمدی نژاد اعلام کرده است که اگر سوریه مورد حمله قرار گیرد، اسرائیل با جواب دندان شکنی روبرو خواهد شد. ورود فعال جمهوری اسلامی به این مناقشه دلایل سیاسی روشنی دارد. از نقطه نظر جمهوری اسلامی، این مناقشه منطقه ای، وجهی مهم و حیاتی از تخاصم جهانی میان تروریسم اسلامی و تروریسم نظم نوینی است. جمهوری اسلامی، پدروخوانده جنبش اسلامی که در داخل ایران زیر پایش خالی شده است، در سطح جهانی منزوی شده است، به خاطر پروژه اتمیش زیر فشار است؛ همیشه به لبنان و فلسطین، به مثابه سنگری از جنبش اسلامی نگاه کرده است و حزب الله (که اصلا دست ساخت خود جمهوری اسلامی است) و حماس را بازوی نظامی و سیاسی خودش در منطقه تلقی کرده است. اما امروز به طریق اولی، جمهوری اسلامی دارد از طریق حزب الله و حماس مناقشه جهانی با قطب تروریستی نظم نوین را دنبال میکند. حزب الله و حماس دارند به عنوان نمایندگان منطقه ای تقابل دو قطب تروریسم بین المللی نقش بازی میکنند و جمهوری اسلامی هم دقیقا به همین معنا پشت این دو جریان اسلامی ایستاده است.

جمهوری اسلامی تهاجم نظامی اسرائیل به لبنان و نوار غزه را فرصتی ارزنده برای جان گرفتن جنبش اسلامی در سطح جهانی تلقی میکند. این اتفاق برای جمهوری اسلامی برکتی آسمانی برای ادامه حیات سیاسی اش به عنوان سرکرده جنبش اسلامی است. حمایت علنی از حماس و حزب الله تلاشی در جهت تثبیت نقش رهبری جنبش اسلامی است. جمهوری اسلامی همچنین به عنوان قائل حزب الله لبنان، روی قدرت نمایی نظامی حزب الله به عنوان اهرم سیاسی در چانه زنیهای مربوط به

پروژه اتمی حساب میکند.

بار دیگر مثل همیشه، دو قطب تروریسم جهانی همدیگر را تغذیه میکنند. از هم نیرو میگیرند و به هم نیرو میدهند. هر بمب دولت اسرائیل که بر پلها و جاده ها و خانه مردم فرو میریزد زمینه توجیه تروریسم جنبش اسلامی است و هر موشک حزب الله که در حیفا بر سر خانه و کاشانه مردم فرود می آید زمینه توجیه میلیتاریسم اسرائیل و آمریکاست.

مثل همه موارد پیشین، قربانیان اصلی این کشمکش نظامی میان دو قطب تروریسم جهانی، مردم غیرنظامی بیدفاع هستند. و باز هم مثل همه موارد پیشین، طبقات محروم و کارکن و بی امکان این جوامع هستند که در سطح وسیع زخمی و کشته و آواره و بی خانمان میشوند. علاوه بر کشته ها و زخمیهای غیر نظامی از هر دو طرف، به صحنه آشنای کارگران از کار بیکار شده و آواره فلسطین، کارگران مهاجر سوریه در لبنان هم اضافه شده اند که برای نجات جانشان هم اکنون در ابعاد هزاران نفره در جاده های زیر بمباران اسرائیل به سمت سوریه راه افتاده اند.

ابعاد جنایت و کشتاری که حملات هوایی ارتش اسرائیل در لبنان بر جای گذاشته است قابل مقایسه با ابعاد کشتار موشکهای حزب الله نیست. دولت اسرائیل باید به خاطر این آدمکشی اش شدیداً محکوم شود و این بمبارانها باید سریعاً خاتمه یابد. اما این تفاوت در ابعاد جنایت نباید ذره ای چشم کسی را به اهداف ارتجاعی و ماهیت و ظرفیت جنایتکارانه جنبش اسلامی و میلیتاریسم این جنبش در لبنان و فلسطین یعنی حزب الله و حماس کور کند. اینها به همان اندازه تروریسم دولتی اسرائیل جنایتکارند. هر دو در آدمکشی دست همدیگر را از پشت می بندند. تفاوت در ابعاد جنایت فقط و فقط مربوط به توازن نظامی مقطع فعلی است. جنبش اسلامی هر وقت توانسته است به همان کاری دست زده است که دولت اسرائیل در حال حاضر مشغولش است. حزب الله و حماس متعلق به جنبشی هستند که معماران قتل عام ۳۰ خرداد و کشتار ۶۷ و ۱۱ سپتامبر و بالی و

بسلان و لندن و مادرید بودند. حزب الله و حماس برای راه انداختن بساط سنگسار و تیرباران در لبنان و فلسطین دندان تیز کرده اند. همانگونه که این قتل عامها توسط جنبش اسلامی ذره ای به میلیتاریسم خونین و نظم نوینی آمریکا مشروعیت نمیدهد، قتل عام اسرائیل هم نباید ذره ای مشروعیت به تروریسم این جنبش کثیف بدهد.

حزب الله در لبنان و حماس در نوار غزه، به مثابه نمایندگان جنبش اسلامی در منطقه، مانع جدی در مقابل ساعات و آسایش و امنیت مردم در منطقه هستند. اینها با بپای دولت راست نژاد پرست اسرائیل، یک پای جدی به خون کشیدن حیات مردم هستند و یک مانع جدی در مقابل همزیستی صلح آمیز مردم فلسطین و اسرائیل هستند. روشن است که استقرار صلح و آسایش و امنیت برای مردم منطقه بدون خلع سلاح و منزوی شدن این جریانات امکانپذیر نیست. اما کشتار هولناکی که اکنون دولت اسرائیل در جنوب لبنان راه انداخته است کوچکترین ربطی به گروگان گیری حزب الله و حماس ندارد و ذره ای مشروعیت سیاسی ندارد. این یک قتل عام علنی و رسمی مردم غیر نظامی تحت حمایت آمریکاست. به این جنایت باید سریعاً و بدون قید و شرط پایان داده شود. دولت اسرائیل باید به خاطر به خون کشیدن کودک و پیر و جوان در لبنان، به عنوان جنایتکار جنگی به جامعه بشری حساب پس دهد.

هم حمایت آشکار بوش و بلیر به مثابه سرکردگان تروریسم نظم نوینی

از آدمکشی علنی دولت اسرائیل و هم حمایت علنی حکومت اسلامی به مثابه سرکرده جنبش اسلامی از حزب الله و حماس، حاکی از این است که مناقشه تاریخی و قدیمی میان اسرائیل و فلسطین دارد ابعاد و قالبهای جدید به خودش میگیرد. بیش از پیش جایگاه خود را در تقابل میلیتاریسم نظم نوین و آمریکا از یکطرف و جنبش اسلامی از طرف دیگر پیدا میکند. اینجاست که اهمیت و ضرورت سیاسی تبلیغ و دفاع از جبهه سوم، ضرورت متشکل شدن و به میدان آمدن جبهه سوم بیش از پیش مطرح میشود.

جبهه سوم، جبهه ای در مقابل دو قطب تروریسم جهانی است. جبهه ای برای مقابله فعال با هر دو جبهه تروریسم بین المللی است. جبهه ای برای جلب توجه افکار عمومی جهانی، مردم و نهادها و سازمانهای انساندوست و مترقی جهانی برای حمایت از مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی، سرکرده جنبش اسلامی است. تا کنون، این تقابل جهانی دو قطب تروریسم خودش را در قالبهای متنوعی ابراز کرده است. ۱۱ سپتامبر، تهاجم نظامی آمریکا به افغانستان و عراق، مناقشه بر سر پروژه اتمی جمهوری اسلامی، و امروز کشمکش دولت اسرائیل و حزب الله قالبهای مختلف تقابل این دو قطب تروریسم بین المللی بوده اند. مهار زدن به هر دو طرف این کشمکش فقط و فقط با به میدان آمدن گسترده و متشکل و قدرتمند این جبهه در سطح جهانی امکانپذیر است. *

از صفحه ۲ **پرده ای دیگر از جنایت تروریستها**

بشریت متمدن باید در میان جنگ و باروت و آدمکشی تروریستها صدای اعتراض خود را بلند کند. به جبهه سوم بپیوندید و متحدانه علیه تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی بمیدان بیایید!

در کشورهای اسلام زده از این اوضاع به تنگ آمده اند. اکثریت عظیم مردم نه خود را با این دولتهای مرتجع و میلیتاریست تعریف میکنند نه با جریانات تروریست و ضد جامعه. این اکثریت خاموش باید نمایندگی شوند.

یک دنیای بهتر**برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید**

هی جناب، من انقلابی ام!

یاشار سهندی - ایران

جناب گنجی!

وقتی شما از زندان تشریف آوردید بیرون اگر خاطر مبارکتان باشد برادر همسر آقای مهاجرانی، وزیر ارشاد دولت خاتمی شما را به خاطر ریش انبوهتان به رابینسون کروزنه تشبیه فرمودند. اما به نظر من شما یک چیزی شبیه کنت مونت کریستو هستید. حتما میدانید که این کنت بخت برگشته بر اثر دسیسه دوستانش به زندان مخوفی افتاد و سالیان بعد به طرز غریبی از زندان گریخت و با نقشه گنجی که داشت به ثروت سرشاری دست یافت و برگشت و آن دسیسه گران ملعون را به سزای اعمال خبیث شان رساند. حالا سرنوشت شما هم یکجوری شبیه همین کنت است. برخی از دوستان سابق تان روش شما در تحمیل مردم را قبول نداشتند و شما را متهم به کارهای ناروا کردند و مثل کنت مونت کریستو به زندان انداختند و شما از زندان فرار نکردید بلکه دست به اعتصاب غذا زدید یا همان که شما میپسندید روزه سیاسی گرفتید تا تو چشم مردم بیابید. اما این کار جز تتی چند از دوستان و جناب بوش و رایس، احساس همدردی کسی را برنینگیخت و چنان دوران آن طولانی شد که مثلاً رکورد بایی سندر را شکستید. حتما خاطر تان هست از که میگویم. همان مبارز اهل ایرلند و عضو ارتش جمهوری خواه ایرلند که اوایل حکومت بانوی آهین - تاجر - پایش را کرد تو یک کفش که من به نمایندگی پارلمان انتخاب شدم و دولت وقت انگلیس گفت که تو زندانی هستی و جای ت پشت میله های زندان است. ایشان چنان مقاومتی به خرج داد که جهان را تحت تاثیر خود قرارداد و جان خویش را بعد از ۶۱ روز اعتصاب غذا از دست داد و مردم ایران در آن سالها شدیداً متاثر شدند و دولت مطبوع شما برای مردم فریبی اسم خیابانی را به نام ایشان کرد. خاطر تان نیست؟ آه، بله، به یاد دارید اما شما آن موقع کارهای مهم تری داشتید: در کار سازمان دادن "سپاه" بودید و تدارک یک کشتار عظیم را میدیدید تا یک نسل از مردم را در زندانهایی مثل اوین کشتار کنید.

حالا هم که به سلامتی بیرون از زندان تشریف دارید میخواهید حال برادران سابق تان را بگیریید و یک نسل دیگر از مردم را دوباره فریب دهید و این بار لابد "سپاه آریایی" را سازمان دهید و تدارک مجدد یک کشتار دیگر. این بار اما نه به روش علی در جنگ صفین (باید یادتان باشد که در دهه ۶۰ مرتب از کشتار ۵۰۰۰ هزار آدم به دست امام اول تان چه با افتخار یاد میشد) بلکه به روش داریوش شورشیان را قلع و قمع میکنید یا به روش "نوشیروان عادل" که مزدکیان را نابود کرد. برادرانتان در فرهنگستان زبان فارسی هنوز معادلی برای کلمه کنت، لرد و یا سر تعریف نکرده اند اما هر چند که ما نه ته پیازیم نه سر پیاز اما به روش پادشاهان قاجار شما را به لقب فریب الملک مفتخر میسازیم.

گویا شما به فکر ما کارگران هستید و دوباره خودتان را به زحمت انداختید و روزه سیاسی گرفتید تا منصور اسانلو رهبر سندیکای شرکت واحد به عنوان یکی از سه نفری که شما در نظر دارید آزاد شود. راستش ما راضی به زحمت شما نبودیم. گیرم که قبل از شما بانو رایس قبول زحمت نمودند از فعالیت سندیکا در ایران اعلام حمایت نمودند. به هر حال شاید این سه نفر آزاد بشوند و انشاءالله هزاران تن دیگر آزاد شوند و خدا را چه دیدید شاید به قول یک بابایی، جادو شد و جمهوری اسلامی دود شد و هوا رفت. اما وقتی سینه جلو دادید و با افتخار فرمودید که من ضد انقلابم؛ متوجه شدیم در بر همان پاشنه سابق میچرخد. خوب این را همه عالم و آدم میدانند. دیگر لازم نبود این را داد بزنید. گفتیم شاید رفتید در ممالک فرنگ چشمانتان به تمدن افتاد و استغفار کردید. اما معلوم شد که جنم شما از یک خمیر مایه دیگر است. چون تو جون تان کنند دشمن مردم هستید. شما هم به گنج تان دست یافتید؛ رسانه های بورژوازی گنج زرین شماست و در خدمتان هستند که این دشمنی را اعلام کنید و مردم را از انقلاب بترسانید، و البته آنها نیز به زیر

خاکی خود ظاهراً دست یافته اند. شما گفتید مخالف خشونت هستید پس بنا بر این مخالف انقلابید و به ضد انقلابی بودن افتخار دارید. بمیرم برای دل نازک تان، اما نمی دانم این دل نازک چه طور تحمل آن همه شکنجه که اعمال میکردید را داشته، شاید شما هم مثل برادر حسین شریعتمداری مدعی هستید که در کارنامه پر افتخارتان افتخار بازجویی ندارید؟ اما شما با این نازک دلی تان چه طور توانستید برادران قصابتان را در سپاه سازمان دهید که هر جا که توانستند و به هر وسیله که توانستند از اعمال شکنجه دریغ نکردند.

فقط یک قلم از خشونت روزمره را برایتان مینویسم و بقیه آن را که همه روزه در سایهچالهای رژیمتان اتفاق می افتد درز میگیرم. نمیدانم میدانید یا نه؟ (برای چه باید این را که خواهم نوشت خشونت تلقی کنید. حتماً مثل بقیه همفکرانتان اینرا اگر هم خشونت بدانید جزو ملزومات کار و تولید میدانید.) یک شیوه معمول "کارفرمایان عزیز" این شده که حقوق مان را نمی دهند یا با یک تاخیر طولانی میدهند. آنهم اگر صدایمان در نیاید اصلاً و ابداً به روی مبارکشان نمی آورند که ما هم آدمیم و احتیاجاتی داریم. نه، کسی ما را به تخته شکنجه نمی بندد و کسی با شلاق ما را وادار به کار نمی کند اما حقوق مان را گروگان گرفته اند و میگویند کار کن. این شنیع ترین نوع خشونت است. گفتیم که من از مسائل دیگر چیزی به زبان نمی آورم که در چه شرایطی ما کارگران در کار تولید ثروت جامعه هستیم و نصیبمان جز سیه روزی هیچی نیست. برای کی باید از این خشونت مداوم بنویسم؟ برای شما که افتخارتان ضد انقلاب بودن است؟

جناب گنجی!

اما من بر خلاف شما میگویم انقلابی هستم. من میخواهم مثل یک انسان زندگی کنم برای همین باید در اولین قدم دولت متبوع شما را سرنگون کنم. این دولت مثل بچه آدم سرش را نمی اندازد پایین و نمی

کارگران دستگیر شده شرکت واحد آزاد شدند

بازگشته اند.

حزب کمونیست کارگری تعرضات بیشرمانه حکومت اسلامی به کارگران شرکت واحد را شدیداً محکوم میکند و خواهان آزادی منصور اسانلو و عملی شدن تمام خواستههای کارگران میباشد. اعتراض و تجمع و اعتصاب حق کارگران است و تنها ابزار کارگران برای مقابله با تعرضات مداوم کارفرمایان و حکومت و مامورین و مزدورانش میباشد. ما همه کارگران در ایران و در سراسر جهان را به اعتراض به پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق کارگران شرکت واحد فرا میخوانیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی برای حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ تیر ۱۳۸۵ - ۱۸ ژوئیه ۲۰۰۶

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

به حزب کمونیست کارگری پیوندید

انقلاب به هر جنایتی دست میزنند، دست زدید و خواهید زد. جناب گنجی، یک بار شهادت بخرج دهید و شهادت دهید که چه جنایتی در حق مردم ایران از سوی برادرانتان به رهبری مرشدتان درجماران اعمال شد تا انقلاب را سرکوب کنند. میدانم که شهادت اینکار را ندارید نه از بابت آنکه شخص جسوری نیستید، نه؛ که سرکوب توده زحمت کش مردم را برای نظم دادن به سودآوری بیشتر لازم میدانید.

بله، من با افتخار تمام اعلام میکنم که انقلابی هستم و طرفدار آن انقلابی که بساط سرکوب و استثمار را برای همیشه به زیاله دانی تاریخ بسپرد و اینبار نخواهیم گذاشت ضدانقلابیونی مثل شما انقلابمان را به یغما ببرند.*

رود کنار. شما خود بهتر میدانید و خودتان هم دست اندکار بودید که حکومتتان به چه روشهای وحشیانه متوسل شده تا توانسته ۲۷ سال دوام بیاورد. خود شما زحمت اولیه سازمان دادن یکی از مخوف ترین ابزار سرکوب این رژیم را کشیدید. برای همین باید سرنگونش کرد نه با بمب های بوش یا روشهای خونین خانم رایس، و یا "نافرمانی مدنی" مثل اعتصاب غذا، بلکه با یک انقلاب که توده مردم در خیابان هستند و تکلیف در را خیابان روشن میکنند و این یکی از روشهایی است که در آن کمترین خشونت اعمال میشود. تجربه ثابت کرده که چنین است. اما چه کسانی انقلابها را خونین کردند و یا به خشونت کشاندند؟ دقیقاً ضدانقلابیون. برای باز پس گیری دستاوردهای یک

آذر ماجدی در دو میتینگ در لندن افشا و محکومیت جمهوری اسلامی، اسلام سیاسی و دو قطب تروریستی!

میتینگ همچنین از حق پناهجویان ایرانی دفاع و دیپورت آنها به ایران شدیداً محکوم شد.

آذر ماجدی همچنین توجه حضار را به سرکوب زنان و کارگران در ایران جلب کرد و در مورد فقر و استثمار شدیدی که به کارگران و مردم ایران تحمیل شده صحبت کرد. وی اعلام کرد که بخش وسیعی از کارگران ماه‌ها حقوق دریافت نکرده‌اند و اعتراضات وسیع کارگری بطور روزمره در کشور در جریان است. آذر ماجدی بطور نمونه به جنبش اعتراضی کارگران شرکت واحد و دستگیری وسیع آنها و در بند بودن منصور اصلانو اشاره کرد. سرکوب وسیع زنان و جنبش اعتراضی آنها نیز مورد بحث قرار گرفت. آذر در پایان اعلام کرد که در ایران ما فقط شاهد سرکوب نیستیم. یک جنبش گسترده اعتراضی وجود دارد: جنبش آزادی زن، جنبش کارگری، جنبش سکولاریستی و این وجه مثبت جامعه ایران است. در پایان، آذر حاضرین را فراخواند که حمله احتمالی آمریکا به ایران را شدیداً محکوم کنند و از مبارزات مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی حمایت کنند. سخنان آذر مورد استقبال گرم حاضرین قرار گرفت و پس از پایان جلسه تا مدتی تعداد زیادی از حاضرین برای بحث و سوال به آذر رجوع می‌کردند. بخش پایانی میتینگ به پرسش و پاسخ اختصاص داشت. حضار فعالانه در این بخش شرکت کردند.

سازمان آزادی زن

۲۰ ژوئیه ۲۰۰۶

سیاست‌های دولت آمریکا و غرب در قبال خاورمیانه و سیاست‌های سرکوبگرانه دولت اسرائیل، و نیز محکوم کردن اشغال عراق نباید ما را به موضع دفاع از اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی بکشاند. جریان اسلامی یک جریان بشدت ارتجاعی و سرکوبگر است. ما باید موضع سومی در قبال این مسائل اتخاذ کنیم: محکوم کردن هر دو قطب تروریستی. در پایان آذر از حاضرین خواست که در صورت جدی شدن حمله به ایران، هم این حمله و هم جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم کنند. آذر حاضرین را فراخواند که از مبارزات مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی حمایت کنند و اعلام کرد که شعار "نه به اسلام سیاسی و نه به میلیتاریسم آمریکا" شعاری درست و اصولی است. سخنان آذر از طرف بخشی از حاضرین با استقبال گرمی روبرو شد.

چهارشنبه ۱۹ ژوئیه میتینگ در پارلمان انگلستان بدعوت سازمان Outrage و کریس برابانت، نماینده مجلس، در محکومیت اعدام‌های گسترده در ایران، اعدام کودکان و سرکوب ماجدی یکی از سخنرانان این میتینگ بود. سخنرانان دیگر پیتر تاچل، کریس برابانت و سیمون فورس بودند. همه سخنرانان اعدام‌های گسترده، اعدام کودکان و اذیت و آزار همجنسگرایان توسط جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم کردند. کریس برابانت لایحه‌ای را در همین رابطه تنظیم کرده و به پارلمان انگلستان تقدیم خواهد کرد. در این

سه شنبه ۱۸ ژوئیه میتینگ از طرف دانشگاه اقتصاد لندن London School of Economics تحت عنوان از "جنگ سرد ایدئولوژی تا جنگ داغ مذهب" برگزار شد. حدود ۵۰ نفر بعنوان کارشناس در این عرصه، از جمله نمایندگان مجلس اعوام و لردها، استادان دانشگاه و غیره به این میتینگ دعوت داشتند. آذر ماجدی برای شرکت در این میتینگ دعوت شده بود. ابتدا علی مزروعی و مقنناد دسای هر یک سخنرانی کوتاهی ایراد کردند و سپس برخی از حاضرین در مورد این مواضع اظهار نظر کردند.

علی مزروعی در حمله به سیاست‌های دولت آمریکا و بریتانیا در قبال خاورمیانه، سیاست‌های دولت‌های غربی را کولونیالیستی تبیین کرد و سپس از جریان اسلام سیاسی بعنوان جریان آزادیبخش در قبال کولونیالیسم جدید دفاع کرد. مزروعی عملیات تروریستی اسلامیت‌ها در غرب را بعنوان یک جنگ چریکی در خاک متروپل بطور ضمنی تحسین کرد.

آذر ماجدی در تقابل با این مباحث صحبت کرد. وی گفت که با تیرترین میتینگ مخالف است. آنچه ما شاهد آن هستیم نه جنگ مذاهب است و نه برخورد تمدن‌ها، آنگونه که علی مزروعی تحلیل می‌کند. این جنگ و کشمکش کاملاً سیاسی بر سر کسب هژمونی است. اسلام سیاسی بدنبال کسب قدرت است و آمریکا در پیگیری سیاست نظم نوین جهانی، بدنبال حاکمیت یک جانبه قدرت خود است. وی اضافه کرد که محکوم کردن

شناختن حقوق شهروندی آنها
۳- متوقف کردن دیپورت پناهندگان همجنسگرا و همه پناهندگان قربانی رژیم جمهوری اسلامی به ایران
۳- اعلام حمایت از مبارزه مردم ایران برای تحقق دموکراسی،

مینا احدی و کیمیا پازوکی در دفاع از حقوق همجنسگرایان سخنرانی کردند

پیام تظاهرکنندگان ۱۹ ژوئیه در برابر
سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم:

اذیت و آزار، پیگرد و اعدام همجنسگرایان در ایران باید فوراً خاتمه یابد!

شایسته‌ترین حمایت‌های جهانی است و رژیم جمهوری اسلامی و سران آن باید به پای میز محاکمه کشیده شوند. در طول تظاهرات Bill Schiller نماینده شبکه جهانی دفاع از حقوق همجنسگرایان نیز به زبان انگلیسی سخنانی ایراد کرد. سخنران دیگر "مارتین آندرشون" نماینده حزب لیبرال مردم در سوئد بود که رژیم جمهوری اسلامی را مورد حمله شدید قرار داد و از این رژیم بدلیل نحوه برخوردش به گروه‌های مختلف مردم و منجمله همجنسگرایان بعنوان یک رژیم دیکتاتور و فاشیست یاد کرد. سخنران دیگر کیمیا پازوکی چهره مدافع حقوق پناهندگی در سوئد بود که ضمن اشاره به تلاش‌های فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در دفاع از حقوق همجنسگرایان تأکید کرد که باید با اعتراض و مبارزه پیگیر حق پناهندگی متقاضیان پناهندگی همجنسگرا را به دولت سوئد بقبولانیم. گزارش این تظاهرات بطور زنده از یکی از رادیوهای محلی استکهلم پخش گردید و رادیوی سراسری فارسی زبان پژواک نیز با مینا احدی و "مارتین آندرشون" مصاحبه کرد.

در پایان این میتینگ، تظاهرکنندگان این مفاد را بعنوان مطالبه تظاهرات جهانی ۱۹ ژوئیه اعلام کردند:
۱- پایان دادن به اعدام‌ها بویژه اعدام کودکان در ایران
۲- خاتمه دادن فوری به اذیت و آزار و پیگرد و شکنجه همجنسگرایان در ایران و برسمیت

امروز همزمان با برگزاری تظاهرات در ۲۱ شهر جهان در اعتراض به نقض حقوق شهروندی همجنسگرایان در ایران و اعدام و اذیت و آزار آنها توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، در شهر استکهلم نیز یک میتینگ اعتراضی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی برگزار شد. فراخوان این تظاهرات از سوی یک شبکه جهانی مدافع حقوق همجنسگرایان داده شده بود.

در تظاهرات استکهلم که با حمایت بسیار فعال واحد حزب کمونیست کارگری در شهر استکهلم همراه بود، مینا احدی چهره سرشناس مبارزه برای لغو مجازات اعدام و سنگسار اولین سخنران بود. وی ضمن آنکه حرکت و ابتکار اعلام یک روز جهانی در دفاع از حقوق شهروندی همجنسگرایان در ایران را گوشه‌ای از یک جنبش بزرگ دفاع از حقوق مدنی و انسانی مردم ایران خواند که مرزها را پشت سر می‌گذارد، پشتیبانی خود را از این حرکت اعلام داشت. در همین حین ماشینی که حامل دو تن از سفارت چی‌ها بود برای ورود به سفارت از نزدیکی تظاهرکنندگان رد شد که با هو کردن آنها روبرو گردید. مینا احدی در یک سخنرانی پرشور کارنامه سیاه جمهوری اسلامی را با ارائه نمونه‌هایی نظیر اعدام دو جوان همجنسگرا در سال گذشته، محکومیت نازنین ۱۷ ساله به اعدام که اکنون در زندان بسر می‌برد و اعدام و سنگسار انسانها بدلیل عشق ورزی و یا تمایلات مختلف جنسی مرور کرد. او تأکید کرد که مبارزه مردم ایران علیه چنین رژیمی



عدالت اجتماعی و حقوق انسانی
۴- مخالفت با حمله نظامی به ایران. تغییر رژیم جمهوری اسلامی به قدرت مبارزه خود مردم

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران - سوئد
۲۸ تیر ۱۳۸۵ - ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۶

هفت هفته از کمپین حزب برای جمع آوری ۵۰۰ هزار دلار میگذرد. تاکنون جمعا ۳۵۴۶۳۰ دلار از ایران و سایر کشورها به حساب های حزب واریز شده و یا تعهد داده شده است. تا ۵۰۰ هزار دلار هنوز ۱۴۵۳۷۰ مانده است که باید تا یک

۲۰ ژوئیه ۲۰۰۶ با تمام توان به یاری حزبتان بشتابید در آخرین هفته کمپین ۱۴۵ هزار دلار دیگر باید جمع آوری شود

حزب است. با تمام توان خود به یاری حزبتان بشتابید. ۱۴۵ هزار دلار دیگر ظرف هفته آینده باید جمع آوری شود. اینکار عملی است. کمک کنید و حزب را در راه اندازی پروژه

هفته دیگر جمع آوری شود. گسترش دهد و به رسانه های حزب باید فعالیت های خود را بیشتری مجهز شود تا صدای خود را گسترده تر به گوش مردم برساند و این در گرو بهبود وضعیت مالی

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیس:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 639 60 60-3
صاحب حساب IKK

آلمان:

Dariush safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

کانادا:

TD Canada Trust
A. Mikanik
transit#1672
Institution#504
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم. تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

تعهدات تازه:

آلمان:

۳۶۰ یورو
۳۶۰
۷۲۰
۱۲۰
۵۰۰
۱۰۰۰
۵۰۰۰ دلار
۸۹۰۰

۱۰۰ دلار
۱۰۰
۲۰۰
نازنین برومند
علی محسنی
محمد کریمی
رامین تقی پور
حسن اقبایاری
واحد حزب در آلمان
از طریق حمید تقوایی
جمع تعهدات این هفته

جمع کمک و تعهد این هفته

۲۱۶۳۰ دلار
۷۰۸۸۰
۴۳۶۰۰
۳۵۰۲۰
۶۰۰۰۰
۱۸۷۰۰
۲۳۶۰۰
۲۱۳۰۰
۲۱۰۰۰
۲۰۳۰۰
۱۸۶۰۰

جمع تعهدات و کمکهای تاکنونی

۳۵۴۶۳۰ دلار

استرالیا:

اسد سلیمانی
ارسلان ناظری
حسین شکر

ایران:

خسرو عبداللهی
تومان
چند نفر از کارگران شرق تهران

سوئد:

واحد حزب کمونیست کارگری در سوئد
نازلی (توسط بهروز مهربادی)
مسعود رحیمی
دو دوستدار حزب
از طریق مجید حمیدیان

آمریکا:

اعظم صابری

جمع کمک این هفته

۱۳۰۰ دلار
۱۲۷۳۰ دلار

یورش اسرائیل به مردم لبنان باید فوراً متوقف شود! در اجتماع اعتراضی علیه جنگ شرکت کنید!

بار دیگر تروریستها، خاورمیانه را در آستانه یک انفجار کامل قرار داده اند. مردم محروم از هر دو طرف در منگنه تروریسم دولتی اسرائیل و تروریسم اسلامی قربانی میدهند. حزب کمونیست کارگری این جنگ تروریستی و اهداف ارتجاعی آنرا قویا محکوم میکند. قربانیان این جنگ مردم بیگناه اند که کوچکترین نفعی در پیروزی یا شکست هر کدام از طرفین درگیر ندارند. حزب کمونیست کارگری مردم آزادیخواه در سراسر جهان را به اعتراض و عمل سازمانیافته برای متوقف کردن این توحش تروریستی فرامیخواند. به این مناسبت از شما مردم آزادیخواه دعوت میکنیم در اجتماعی که در مقابل سفارت اسرائیل ترتیب داده شده است شرکت کنید.

روز شنبه ۲۲ جولای ساعت ۱۲ ظهر

لدرس: مقابل سفارت اسرائیل

شماره ۱۸۰ خیابان بلور - وست

MASS RALLY:

Saturday, July 22nd

Israeli Consulate

180 Bloor Street West (West of Avenue Road, North side of Bloor)

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد شرق کانادا

تلفن: ۴۱۶۳۵۸۹۶۰۰

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب: markazi@ukonline.co.uk

تلفن و فاکس برای تماس با حزب:

Tel: 0044-7950 517 465

Fax: 0044-8701 351 338

در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه



"شورای امنیت" در آستانه تصویب قطعنامه علیه جمهوری اسلامی

تشویق به درگیری نظامی با اسرائیل کرده تا موضوع پرونده اتمی اش را به حاشیه براند. اما مساله هرچه باشد جمهوری اسلامی اکنون در انزوای بیشتری در سطح جهانی قرار گرفته است.

از لحن مقامات دولت آمریکا و روسیه و همچنین نخست وزیر انگلستان چنین بر می آید که تصویب قطعنامه ای علیه جمهوری اسلامی در این شرایط بسیار محتمل است. اما مضمون چنین قطعنامه ای و لحن آن هنوز مورد اختلاف است.

کشاکش بر سر دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی میتواند نتایج بسیار خطرناکی برای کارگران و مردم ایران به دنبال داشته باشد. چه دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی و چه تحریم اقتصادی و یا تهاجم نظامی به ایران، زندگی مردم را قربانی خواهد کرد و فضای سیاسی را در ایران بشدت بر علیه مردم تغییر خواهد داد و دستاوردهای مبارزاتی آنها علیه حکومت را عقب خواهد راند. اولین قربانیان تحریم اقتصادی که گام اول در گسترش این بحران است کارگران و مردم محروم هستند. تنها گسترش و رشد جنبش سرنگونی طلبی مردم علیه جمهوری اسلامی و سرنگونی انقلابی آن است که میتواند هم از تبدیل حکومت توحش اسلامی به یک نیروی اتمی جلوگیری کند و هم مانع دخالتگری نیروهای میلیتاریست بین المللی و در راس آنها حکومت آمریکا در ایران شود.

لبنان و فلسطین باز هم میدان جنگ و کشتار

مرحله تازه ای از جنگی تمام عیار در فلسطین و لبنان آغاز شده که دامنه آن معلوم نیست به کجا کشیده خواهد شد. ارتش اسرائیل از یک هفته پیش حمله گسترده و همه جانبه ای را به لبنان و نوار غزه به جریان انداخته است. در این عملیات نظامی شمار زیادی از مردم بی دفاع

لبنان و فلسطین کشته شده اند و دهها هزار تن آواره گشته اند. امروز ۱۹ ژوئیه نیروهای زمینی اسرائیل نیز وارد خاک لبنان شدند و بخشهای از مناطق جنوبی لبنان را به اشغال در آوردند. در نوار غزه نیز اسرائیل پس از چند روز بمباران و حمله هوایی، نیروهای زمینی اش را مستقر کرده و عملاً دست به اشغال مجدد این مناطق زده است. از سوی دیگر گروههای تروریستی اسلامی و در راس آنها حزب الله دهها موشک به سوی شهرهای مرزی اسرائیل شلیک کرده اند و در اثر آن تعدادی از ساکنین این شهرها کشته شده اند. مردم لبنان و توریستهایی که به این کشور سفر کرده بودند با کشتی و ناو جنگی و وسایل حمل و نقل مختلف از این کشور تخلیه میشوند.

مرحله فعلی جنگ در فلسطین و لبنان با حمله یک گروه اسلامی به سربازان اسرائیل و گروگان گیری دو تن از آنان در یک هفته پیش یعنی ۱۲ ژوئیه آغاز شد. اسرائیل میگوید سازمان حماس در پشت این حمله قرار دارد و باید گروهکانهای اسرائیلی را آزاد کند. خبرها حاکی از اینست که یکی از گروهکانها به دست گروههای اسلامی کشته شده و دیگری که یک سرباز است هنوز زنده و اسیر است. اما این صورت ظاهر مساله است. اسرائیل آشکارا از این حمله استقبال کرد. آنرا بهانه ای برای جنگی کردن منطقه قرار داد و بدون هیچگونه تلاشی برای آزودن راههای دیپلماتیک برای آزادی سرباز اسرائیلی، با نیروی عظیمی به نوار غزه و سپس به لبنان یورش آورد. سوال اینست که چرا دوطرف یعنی از یک طرف حماس و حزب الله و از طرف دیگر دولت اسرائیل اینچنین ناگهانی بر طبل جنگ کوبیدند؟ گویی توافق مستقیمی برای به آشوب کشیدن دوباره منطقه بین آنها صورت گرفته است.

پاسخ در شرایط بلافاصله قبل از این جنگ قرار دارد. بنظر میرسد (همانگونه که در نوشته دیگری در همین ستون پیش بینی کرده بودیم) طرحی که بنام "طرح زندانیان سیاسی" مشهور شد موضوع اصلی شروع جنگ در این شرایط و زمان مشخص فعلی است. "طرح زندانیان سیاسی" یا "طرح آشتی ملی" طرح و پلانفرمی بود برای تشکیل دولت

مستقل فلسطین در پشت مرزهای قبل از جنگ ۱۹۶۷. این طرح را شخصیتهای با نفوذی همچون "یروان برغوتی" از سران سازمان الفتح و همچنین چند تن از شخصیتهای با نفوذ حماس از جمله "الهالك ننتشه" که در زندان اسرائیل هستند امضا کرده بودند. محمود عباس قرار بود در هفته گذشته این طرح را به رفراندم بگذارد و حماس با آن مخالف بود. اما همه چیز حکایت از این داشت که این طرح در رفراندم با رای اکثریت فلسطینیان مواجه خواهد شد. این مساله هم حماس و جمهوری اسلامی و کل جبهه اسلامی سیاسی، و هم جناح راست دولت اسرائیل و دولت بوش و فاشیستهای اسرائیلی را در مخصه قرار داده بود. حماس و حزب الله و جمهوری اسلامی تهدید از دست دادن پرچم نابودی اسرائیل را بالای سر خود میدیدند، و اسرائیل و نیروهای دست راستی حامی آن نیز نگران بودند که اسرائیل با این طرح برای عقب نشینی به پشت مرزهای ۱۹۶۷ زیر فشار جدی بین المللی قرار گیرد. تنها راه برای خلاصی از این مخصه دامن زدن به یک جنگ بود که این طرح را در میان دود و آتش و جنگ مدفون کند. هردوسوی این جنگ یعنی هم تروریستهای اسلامی و هم جناح راست و میلیتاریست اسرائیل و حامیانش در این زمینه توافق داشتند و این توافق غیر رسمی را با کشتار مردم بی دفاع به اجرا گذاشته اند. گرچه حماس تنها "فضای جنگی" و فوق العاده را دنبال میکرد و به صلاح خود نمیدید که جنگی با ابعاد گسترده شروع شود که نتیجه اش میتواند نابودی تمام ماشین تشکیلاتی اش باشد که الان به دلیل قرار گرفتن در دولت بسیار ضربه پذیر تر از قبل است. و اسرائیل دقیقاً به همین دلیل جنگی را آغاز کرده است که بتواند ضربات کاری ای را به گروههای اسلامی مخالف خود وارد آورد. با این جنگ طرح "آشتی ملی" بهمره صدها تن مردم بی دفاع قربانی شدند. بهررو برای نیروها و دولتیهایی که مصالح درازمدت خود را در تداوم جنگ و کشتار و فضای جنگی می دانند، بهانه و دلیل برای ادامه جنگ کم نیست. در فلسطین و اسرائیل نیروهای فاشیست و دست راستی

بهمراه ارتجاع اسلامی میدان دار سیاست شده اند و هرروز بر کینه و نفرت و جدایی قومی و مذهبی دامن میزنند. این کلاف سر درگم جنگ و جنایت و ارتجاع را تنها و تنها رشد و قدرت گیری نیروهای رادیکال و چپ و سکولار که علیه مذهب و جدایی مذهبی و ملی و قومی هستند، نیروهایی که قادر باشند مردم منطقه را حول محورهایی انسانی بسیج کنند، میتوانند باز کنند و به این دوران پر از جنگ و خون و درد و رنج که لکه سیاهی در تاریخ بشریت است پایان دهند.

خانه کارگر جمهوری اسلامی: لانه فاشیسم

به این خبر که در سایت "کارگری" خانه کارگر یعنی ایلنا در این هفته منتشر شده توجه کنید: نماینده کارگران پاکدشت (منظور نماینده شوراهای اسلامی در این منطقه است!) گفت در شرکت تولیدی فقل و لولای ماهر اندیش ۶۰ کارگر بنگلادشی و افغانی به کار اشتغال دارند و کارفرمای این شرکت بدنسال اخراج کارگران ایرانی است. او که عباس سالاری نام دارد افزود خوشبختانه با پیگیریهای انجام گرفته (یعنی راپورتهای همین خانه کارگری ها و شوراهای اسلامی و خبر کردن ژاندارم و نیروی انتظامی) طی دو روز گذشته بازرسین اداره کار به همراه رئیس پاسگاه منطقه و نماینده فرماندار در محل شرکت حاضر شده اند که با ترفند کارفرما تنها ۲۵ کارگر خارجی شناسائی شدند. خبر دیگری در این سایت منعکس شده که ظاهراً قرار است منعکس کننده اعتراض کارگران فضای سبز شهرداری تهران باشد. این خبر چنین است: ۴۰ کارگر فضای سبز ناحیه ۵ منطقه ۳ شهرداری تهران با یک ماه دیر کرد حقوق دریافت میکنند... به گزارش خبرنگار گروه کارگری ایلنا این کارگران در دوشیفت کاری از ۴ بامداد تا ۱۳ و ۱۶ و ۱۹ کار کرده و در ازای ۱۱ ساعت کار ماهیانه ۱۲۵ هزار تومان حقوق دریافت میکنند... بنابر این گزارش در این ناحیه ۳۰ کارگر فضای سبز از کارگران افغانی

جمعی از کارگران شرق تهران خطاب به شما که جبهه سوم را فرا خواندید! خطاب به سازمانهای کارگری و سازمانهای آزادیخواه در سراسر جهان

ما جمعی از کارگران شرق تهران هستیم. بیانییه جبهه سوم را خواندیم. بطور واقعی ما صدای اعتراض جبهه سوم در برابر دو قطب تروریستی هستیم که شما از آنها نام برده اید، از همین رو ما حمایت خود را از بندهای این بیانییه اعلام میکنیم و تلاش میکنیم که در صف مقدم این اعتراض جهانی باشیم. از همه کارگران و از همه بخش های مردم، دانشجویان، معلمان، پرستاران و همه مردم ایران میخواهیم که با تاکید بر خواستها و مطالبات خود و با فشرده کردن

مبارزاتشان به این جبهه بپیوندند و حمایت خود را رسماً اعلام کنند. ما همچنین از همه سازمانهای کارگری و سازمانها و نهادهای آزادیخواه در سراسر جهان میخواهیم که از مبارزات ما کارگران و ما مردم ایران حمایت کنند و به جبهه سوم، جبهه بشریت آزادیخواه و متمدن بپیوندند. ما میخواهیم که همراه با ما فشار بیاورند تا جمهوری اسلامی از تمامی مراجع بین المللی و از جمله سازمان جهانی کار "آی ال او" اخراج شود.

جمعی از کارگران شرق تهران

از صفحه ۷ در حاشیه رویدادها

ما در جامعه تحت حاکمیت جمهوری اسلامی این نوع تبلیغات در واقع بیانگر گوشه کوچکی از سرکوب و ستم و بی حقوقی گسترده ای است که در حق کارگران مهاجر اعمال میشود. آیا همین گرایش قوی ضد کارگر مهاجر نباید هر کارگری را از سرتاپای این خانه فاشیسم منزجر نماید و به همراه کارگران شرکت واحد و ایران صدرا شعار انحلال "خانه کارگر" و شوراها را سر دهد؟ اینها حتی در اول مه یعنی روزی که قرار است روز همبستگی بین المللی کارگران باشد شعار "کارگرافغانی اخراج باید گردد" را سر میدادند. از این بیشتر نمیتوان ضد کارگر و اتحاد طبقاتی کارگران بود. *

و تنها ۱۰ کارگر ایرانی شاغل هستند
تنها یک جریان فاشیست تمام عیار میتواند خیر یک اعتراض کارگری را اینگونه منعکس کند. اینها تمام تلاششان در تمام مدت عمر خود این بوده است که نفرت ملی را علیه کارگران مهاجر و مشخصاً کارگران افغانستانی دامن بزنند. دو خبری که خواندید در میان ۵ خبر در یک روز آمده است. بندرت میشود به این سایت سر زد و نمونه هایی از این دست و حتی بدتر را ندید. در یک کشور با قوانین معمول دموکراتیک انعکاس اخباری این چنین یعنی پاشیدن چاشنی نژادی و قوم پرستانه در میان اخبار و نوشته ها با پیگرد قانونی مواجه میشود.

چرا من و اتحادیه ام از مانیفست جبهه سوم حمایت میکنیم؟

فرد میوزین

پرزیدنت اتحادیه کارکنان بیمارستان (بریتیش کلمبیا- کانادا)

واقع مبارزه مردم ایران علیه استبداد جمهوری اسلامی ایران هر روز قویتر میشود و حمایتهای بیشتری را به خود جلب میکند. در صورت احتمال اشغال خارجی، اصلاح طلبان ایرانی بیشتر به عناصر محافظه کار تسلیم میشوند که پی آمدهای وخیمی برای دموکراسی در ایران خواهد داشت. دلیل دیگری که برای دخالت آمریکا در خاورمیانه جلو آورده میشود تا اشغال ایران را موجه جلوه دهد، "نجات" زنان مسلمان است. چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد. اسلام سیاسی همچنین باید از طرف جنبش بین المللی زنان با یک استراتژی متحدانه و متمرکز با مخالفت روبرو شود. هم میلیتاریسم آمریکا و هم اسلام سیاسی ستمهای متفاوتی بر علیه زنان هستند. بنابراین، به نمایندگی از ۴۲ هزار عضو اتحادیه کارکنان بیمارستان، همه آنهايي را که به تصمیم گیری مردم ایران در مورد سرنوشت خود باور دارند تشویق میکنم که از این مانیفست حمایت کنند. *

غیرقابل محاسبه ای که بر اثر اشغال عراق توسط آمریکا صورت گرفته، برای نسلهای بعدی عراقی ها نیز محسوس خواهد بود. اکنون که شاهد تراژدی روز افزون و هر روزه در عراق هستیم، مهم است به خاطر بسپاریم که آمریکا همچنین کشورهای زیاد دیگری را نیز تهدید میکند. ایران بطور مشخص مرتب از طرف هیئت حاکمه آمریکا به عنوان هدف بعدی "محور شر" اعلام گردیده است.

انسانهای مترقی و صلح طلب باید این را به رسمیت بشناسند که تجاوز به ایران به رهبری آمریکا فقط مصائب ایرانیان را افزونتر خواهد کرد. اساس تحریک جنگ بر علیه ایران دو اسطوره مخرب هستند. یکی این است که اشغال ایران به رهبری آمریکا جلوی گسترش سلاحهای هسته ای را در ایران خواهد گرفت. در واقع تهدیدهای آمریکا علیه ایران میل غنی سازی اورانیوم از جانب جمهوری اسلامی را تشدید میکند. اسطوره دوم این است که اشغال ایران به رهبری آمریکا مردم ایران را از دست استبداد اسلامی رها خواهد کرد. در

ما کاناداییها از دولتماند انتظار داریم که مروج صلح باشد و تنها زمانی مداخله نظامی بکند که سازمان ملل چنین اقدامی را لازم بداند و این اقدام بر روی ثبات کشورها متمرکز شود. ما علناً با رهبران محلی مشورت میکنیم تا در تشکیل یک رژیم عملی مناسب به آنها کمک کنیم.

"مانیفست جبهه سوم علیه میلیتاریسم آمریکا و تروریسم اسلامی" یک بیان واقعی به امید به صلح و عدالت برای مردم ایران است. این مانیفست یک دید از پیشرفت انسانی است که هم بنیادگرائی اسلامی را و هم استبداد هر دو هیئت حاکمه آمریکا و جمهوری اسلامی ایران را به مبارزه میطلبد. اساس، عقلی سلیم در محیطی دیوانه است.

برای مثال در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۶ ارتش آمریکا اعلام کرد که تاکنون ۲۵۰۰ آمریکائی در عراق جانشان را از دست داده اند. آمار کشته شدگان در عراق، حتی بنابر محافظه کارترین آمارها، به حدود ۵۰۰ هزار نفر می رسد. اثر مصائب

سخنرانی آذر ماجدی در تورنتو



سناریوی سیاه، اسلام سیاسی، کمونیسم کارگری

زمان: شنبه ۲۹ جولای ساعت ۷ بعد از ظهر

مکان: ۲۹۷۵ دان میلز (اوریل کامیونیتی سنتر)

برای اطلاعات بیشتر لطفاً با شماره تلفن ۳۵۸۹۶۰۰ (۴۱۶) تماس بگیرید

تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران - شرق کانادا

مرگ
بر جمهوری
اسلامی!

زنده باد
جمهوری
سوسیالیستی!

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Frequency: 11494
Symbol Rate: 17469
FEC: 3/4
Vertical